

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۶۶ نفت ژانویه

۶۷ رویاهای بغداد

۶۸ تحولات انرژی

۶۸ طرح ماه



آن سیاسی را برای جوامع کنونی به حداقل می‌رساند. تجربه جهان صنعتی از شوک‌های انرژی اوایل و اواخر دهه ۷۰ میلادی، این نکته را برای همگان به اثبات رساند که امنیت عرضه در تضمین ثبات اقتصادی و حداقل سازی آسیب‌های ناشی از نوسانات بخش عرضه بازار انرژی دارای مفهوم و اهمیتی به مراتب مهم‌تر و گسترده‌تر از قیمت برای مصرف‌کنندگان است.

سبد انرژی مصرفی در ایران

در ایران فرآورده‌های نفتی، گاز طبیعی، زغال‌سنگ و انرژی برق‌آبی عمده‌ترین منابع تأمین انرژی مصرفی در سطح ملی هستند. در میان منابع مزبور، زغال‌سنگ و برق‌آبی دارای سهمی بسیار ناچیز بوده و گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی، عمده‌ترین سهم را در تأمین نیازهای مصرفی بخش‌های خانگی، تجاری، صنعتی، کشاورزی، نیروگاهی و حمل و نقل بر عهده دارند. سهم فرآورده‌های نفتی نیز طی سال‌های اخیر روند کاهنده‌ای را تجربه کرده و در حال حاضر رقمی حدود ۴۰ درصد از سبد انرژی مصرفی کشور توسط این حامل‌های انرژی تأمین می‌شود. به این ترتیب گاز طبیعی به سوخت غالب و اصلی در سبد انرژی ایران تبدیل شده است. این سهم در بخش‌های مختلف مصرف‌کننده انرژی نیز قابل مشاهده است.

آخرین آمارهای منتشره حاکی است حدود ۸۰ درصد از نیازهای بخش خانگی به انرژی توسط گاز طبیعی تأمین می‌شود. این رقم در مورد بخش تجاری و صنعت حدود ۶۰ درصد است. در بخش حمل و نقل به دلیل عدم توسعه ساختارهای استفاده از سی‌ان‌جی تا سال ۸۶ گاز طبیعی سهم چندانی نداشته ولی این سهم طی سال‌های اخیر و با سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، به رقمی حدود ۴ درصد رسیده است. سهم گاز طبیعی در تأمین سوخت مصرفی بخش نیروگاهی نیز در حال حاضر رقمی معادل ۷۰ درصد

گاز طبیعی به سوخت غالب در کشورمان تبدیل شده است. ولی به استراتژی جامع نگر و بلندمدتی نیاز داریم.

قابل بررسی، سهم مشخصی را برای هر یک از حامل‌های مزبور در سبد انرژی مصرفی خود تعیین می‌کنند. این سهم در صورتی که با در نظر گرفتن مجموع مؤلفه‌های مطرح در تدوین یک سیاست جامع ملی انرژی تعیین شده و نوع و ماهیت روابط زیربخش‌های مختلف اقتصاد را در ارتباط با سهم هر یک در اقتصاد ملی با بخش انرژی در معادلات لحاظ کرده باشد، تأمین‌کننده و حداکثرکننده منافع ملی در این بخش خواهد بود.

با وجود این که یکی از اولویت‌های مهم در تنظیم سهم حامل‌های انرژی در تدوین سبد انرژی مصرفی کشور، میزان برخورداری کشور از ذخایر طبیعی حامل‌های انرژی است، با این حال ذخایر مزبور در رویکردی هوشمندانه و راهبردی، تنها نقش را در سبد انرژی مصرفی بر عهده نخواهند داشت. با توجه به نقش محوری انرژی در پیشبرد اهداف ملی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، مهم‌ترین عامل مورد نظر در تدوین سبد انرژی در کشورهای دارای ساختار برنامه‌ریزی نظام‌مند و توسعه‌یافته مسأله امنیت عرضه است. امنیت عرضه انرژی، مقدم بر ملاحظات اقتصادی و قیمت تمام‌شده حامل‌های مختلف انرژی برای اقتصاد ملی، تداوم حیات اقتصادی جامعه را تضمین کرده و ضریب اطمینان آسیب‌پذیری اقتصادی و به تبع

سبد انرژی مصرفی را در هر کشور باید برآیند مستقیم سیاست‌های اجرا شده در بخش انرژی آن کشور دانست. وضعیت موجود این سبد در هر کشور عملاً نتیجه دو پارامتر شاخص آن است. عامل نخست، حامل‌های انرژی موجود در سبد و عامل بعدی، سهم هر یک از این حامل‌ها است. حامل‌های انرژی مطرح در سطح جهانی در حال حاضر شامل نفت خام و فرآورده‌های نفتی، گاز طبیعی، زغال‌سنگ، انرژی هسته‌ای، انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین مانند هیبرید و انرژی برق‌آبی، زمین‌گرمایی، انرژی باد و سوخت‌های زیستی هستند.

هریک از کشورها بسته به عواملی مانند سطح توسعه‌یافتگی، برخورداری از منابع طبیعی انرژی مانند ذخایر نفت و گاز و منابع زغال‌سنگ، موقعیت جغرافیایی از نظر دسترسی به انرژی‌های تجدیدپذیر، سطح فناوری و پیشرفت و برداشت سیاست‌گذاران از ارزیابی پارامترهای مؤثر بر منافع و امنیت ملی در حوزه عرضه انرژی و تأمین امنیت آن اقدام به تعیین حامل‌های انرژی مورد استفاده کرده و با در نظر گرفتن ملاحظات و مدل‌های اقتصادی، پراکندگی منابع انرژی در سطح جغرافیایی ملی، هزینه تولید و تأمین حامل‌های مختلف انرژی و انتقال آنها از مبادی تولید به نقاط عمده مصرف و ارزیابی ریسک و عدم اطمینان‌های

منطقه، پتانسیل‌های بسیاری را برای حضور ایران در اشکال مختلف تجارت جهانی گاز اعم از صادرات و سوآپ گاز طبیعی فراهم ساخته است. استفاده از این فرصت‌های ارزشمند و منحصر به فرد، مستلزم منطقی‌سازی رویکردها در حوزه توسعه سهم گاز در سبد انرژی مصرفی کشور است.

افزایش ضریب امنیت عرضه انرژی

از نقطه نظر راهبردی و با مدنظر قرار دادن مؤلفه‌های مطرح در حوزه امنیت عرضه انرژی در کشور، متنوع‌سازی سبد انرژی مصرفی مطمئن‌ترین سازوکار برای افزایش امنیت عرضه محسوب می‌شود. تنوع سبد انرژی مصرفی علاوه بر کاهش ریسک‌های ملی در حوزه عرضه انرژی، زمینه‌ساز توسعه فرصت‌های تجاری جدید، به‌خصوص در بخش گاز طبیعی و مزایای اقتصادی و سیاسی ناشی از آن برای اقتصاد ملی خواهد بود. هرچند با وجود برخورداری از ذخایر عظیم گاز طبیعی در کشور، اقتصادی‌ترین گزینه موجود برای تأمین انرژی مصرفی، گاز طبیعی است، ولی این به معنی آن نیست که گاز طبیعی تنها حامل قابل استفاده در سبد انرژی ملی است. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه با وجود قیمت‌های تمام‌شده بالا، سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی با حمایت دولت در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر صورت می‌گیرد. هدف از چنین اقداماتی متنوع‌سازی هرچه بیشتر سبد انرژی مصرفی و کاهش اتکای ساختارهای اقتصاد ملی به یک یا چند

برای حضور ایران در عرصه تجارت جهانی گاز طبیعی در حال کمرنگ شدن است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان دومین دارنده ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی در دنیا بر اساس آخرین اطلاعات منتشره در سال ۲۰۰۸ دارای موازنه منفی ۱/۱ میلیارد متر مکعب در عرصه تجارت جهانی گاز بوده است. این رقم در بخش مزبور در حالی تحقق یافته که قطر در همین سال با صادرات حدود ۵۷ میلیارد



متر مکعب گاز طبیعی به کشورهای مختلف، سهمی حدود ۷ درصد از مجموع صادرات جهانی گاز را در این سال به خود اختصاص داده است؛ ضمن اینکه حدود ۴۰ میلیارد مترمکعب از صادرات گاز قطر به شکل ال‌ان‌جی بوده است. موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی کشور ما در

است. همچنین سهم گاز طبیعی در تأمین انرژی مصرفی بخش‌های پالایشگاهی و پتروشیمی (خوراک و انرژی) رقمی حدود ۸ درصد است.

تحت این شرایط، گاز طبیعی به سوخت غالب در اکثر بخش‌های اقتصاد ملی (به جز حمل و نقل) تبدیل شده است. توسعه سهم گاز طبیعی طی سال‌های گذشته رویکرد عمده سیاست‌گذاران حوزه انرژی در کشور بوده است. این رویکرد با در نظر گرفتن ملاحظات اقتصادی و هزینه تمام‌شده کمتر گاز طبیعی در مقایسه با فرآورده‌های نفتی در اقتصاد ایران به اجرا درآمده است. با این حال به دلیل فقدان چشم‌انداز و مطالعات جامع در خصوص ترکیب بهینه سبد انرژی مصرفی در کشور و عدم توجه به ساختارهای بخش‌های تولید، انتقال و توزیع گاز در کشور طی سال‌های اخیر، توسعه صنعت گاز عملاً به افزایش سهم گاز در سبد انرژی مصرفی کشور ترجمه شده است. در چنین فضایی رشد دو رقمی سالانه مصرف گاز طبیعی منجر به عدم توازن در اجزای مختلف زنجیره عرضه گاز طبیعی و اجرای سریع برنامه‌های گازسانی شده که نتیجه آن را می‌توان در شکاف عرضه و تقاضای گاز کشور در بلندمدت مشاهده کرد.

فرصت‌های ملی

در چنین شرایطی و با توسعه روزافزون مصرف گاز در سایه فقدان اولویت‌دهی به ملاحظات اقتصادی در توسعه شبکه گاز طبیعی در کشور، فرصت‌های طلایی

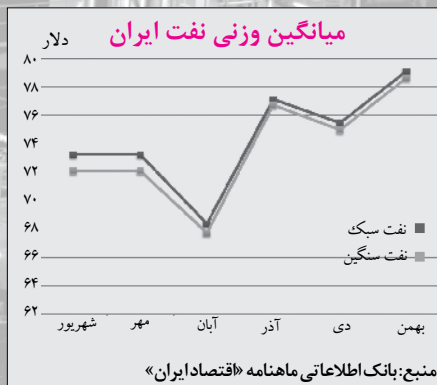
نفت ژانویه

گزارش «اقتصاد ایران» از بازار جهانی نفت

از ۲/۰۴ سنت (۰/۹۶ درصد) افزایش در سطح ۲/۱۶ دلار در هر گالن تثبیت شد. گفتنی است محدوده قیمتی این نوع نفت خام ۲/۱۲ تا ۲/۱۷ دلار اعلام شده است. قیمت سوخت گرمایشی نیز با ۱/۶۷ سنت (۰/۷۶ درصد) افزایش به ۲/۲۰ دلار در هر گالن رسید. حاشیه سود بنزین و سوخت گرمایشی به ترتیب ۷/۷۷ و ۹/۰۵ دلار گزارش شد.

آتش‌سوزی این پالایشگاه، تولید روزانه ۱۱۵ هزار بشکه بنزین را که توسط شرکت ملی نفت کره صورت می‌پذیرد، مختل ساخت. در نهایت علاوه بر پیش‌بینی افزایش تقاضای نفت ناشی از بهتر شدن شرایط اقتصاد جهانی توسط سازمان‌های مختلف، ادامه برودت هوا نیز افزایش قیمت نفت خام را در اواخر معاملات در پی داشت. در این شرایط، قیمت نفت خام وست‌تگزاس اینترمیدیت در بازار نیویورک برای تحویل در ماه فوریه ۹ سنت (۰/۱۱ درصد) بالا رفت و در سطح ۸۲/۷۵ دلار در هر بشکه تثبیت شد. گفتنی است دامنه نوسان قیمت نفت خام مذکور بین ۸۱/۸۰ تا ۸۳/۴۷ دلار بوده است.

در پی بروز آتش‌سوزی پالایشگاهی در کانادا که پیامد آن افزایش شدید قیمت بنزین بود، قیمت نفت خام نیز در بازارهای جهانی طی هفتمین روز ژانویه افزایش یافت. نشر خبر آتش‌سوزی پالایشگاهی در نیوفاندلند و آمار منتشره از وضعیت اقتصادی آمریکا که ثبات اقتصادی این کشور را با ابهام مواجه کرده، توانست جهت‌گیری بازار نفت را تغییر دهد. حادثه



منطقه	نفت سبک	نفت سنگین
آسیا	۸۰/۶۲	۷۹/۶۷
شمال غربی اروپا	۷۷/۷۲	۷۷/۳۷
مدیترانه	۷۷/۴۰	۷۷/۰۵
آفریقای جنوبی	۷۷/۸۵	۷۷/۵۰
میانگین وزنی	۷۹/۵۲	۷۹/۱۵

یادداشت: متوسط اول تا ۸ ژانویه استخراج: «اقتصاد ایران» از امور بین‌الملل شرکت ملی نفت

حامل انرژی، به خصوص انرژی‌های هیدروکربوری است. در سایه چنین اقداماتی می‌توان به تحقق ایده توسعه پایدار در بخش انرژی امید بیشتری داشت؛ ضمن این که تجربه تعامل با جامعه بین‌المللی طی سال‌های اخیر به روشنی نشان داده مزایای توسعه حضور ایران در بازارهای جهانی نفت و گاز عملاً محدود به درآمدهای ارزی حاصل از آن نیست. قطعاً صادرات منابع انرژی به جهان خارج، طی سال‌های اخیر ملاحظات ویژه‌ای را برای طرف‌های تجاری ایران ایجاد کرده است؛ ملاحظاتی که به سادگی از سوی آنها قابل صرف‌نظر و چشم‌پوشی نیستند. حتی طی سال‌های اخیر که دامنه اختلافات ایران با جهان غرب

بر سر برنامه هسته‌ای کشور گسترش یافته است، محافل کارشناسی غرب همچنان ایران را به عنوان یکی از منابع بالقوه و اصلی تأمین نیازهای گاز، به خصوص در منطقه اروپا مدنظر قرار داده‌اند. امضای تفاهم‌نامه‌های متعدد در بخش گاز با طرف‌های اروپایی طی سال‌های اخیر، نشانه‌ای روشن از این نوع نگاه است. قطعاً اختلافات سیاسی ایران با غرب در بلندمدت حل و فصل خواهد شد، اما با توسعه روند فزاینده مصرف داخلی حامل‌های انرژی، به خصوص گاز طبیعی با حداقل بهره‌وری، نباید از موقعیت ویژه‌ای که در این رهگذر برای کشور ایجاد شده صرف‌نظر کرد. ■

سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی عراق

روپاهای بغداد

صنعت نفت عراق آماده سرعت دادن به پروژه توسعه این کشور است. این پتانسیلی است برای جذب سرمایه‌های جهانی.

کابینه عراق کلیه توافق‌نامه‌های اولیه میدانی نفت و گاز واگذار شده به شرکت‌های خارجی را تصویب کرده است. تصویب این موافقت‌نامه‌ها به معنی اعلام آمادگی برای جلب حدود یکصد میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت این کشور است.

ظرفیت تولید نفت عراق در حال حاضر رقمی معادل ۲/۵ میلیون بشکه در روز است که با نهایی شدن موافقت‌نامه‌های مزبور این رقم به حدود ۱۲ میلیون بشکه در روز بالغ خواهد شد. شل، بی‌پی، استات‌اولیل نورو، پتروناس مالزی، ژاپکس ژاپن، سان‌آنگول آنگولا، لوک‌اولیل

و گازپروم روسیه و شرکت ملی نفت چین از جمله شرکت‌هایی هستند که توافق‌نامه‌های مزبور با آنها به امضا خواهد رسید.

قرارداد توسعه میدان نفتی قرنه غربی ۲ از مهمترین این قراردادها است که به شرکت‌های استات‌اولیل نورو و لوک‌اولیل روسیه واگذار شده است. این میدان بزرگترین میدان نفتی واگذار شده عراق در دور اخیر واگذاری میدانی نفتی جهت توسعه است. سهم استات‌اولیل در این سرمایه‌گذاری ۴/۵ میلیارد دلاری، معادل ۲۵ درصد و سهم لوک‌اولیل معادل ۷۵ درصد است. هدف از اجرای این قرارداد، افزایش تولید این میدان به میزان یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز است و کنسرسیوم طرف قرارداد، رقمی معادل ۱/۱۵ دلار بابت هر بشکه نفت تولیدی از این میدان دریافت خواهد کرد.

مورد بعدی از قراردادهای نهایی شده، مربوط به توسعه

نفت به دنبال داشته است. توجه به شرایط اقتصادی دولت عراق و لزوم تقویت اقتصادی این کشور برای تغییر شرایط نابسامان اقتصادی و استقرار ساختارهای "توسعه‌محور" در این کشور مورد توافق کلیه ناظران و کارشناسان است؛ ضمن این که ذخایر ۱۱۵ میلیارد بشکه‌ای این کشور نیز امکان چنین حجمی از افزایش تولید را به صنعت نفت این کشور می‌دهد. هزینه تولید پایین نفت خام در این کشور از دیگر مزایای صنعت نفت عراق برای توسعه ظرفیت‌های تولیدی است.

از سوی دیگر مسیرهای صادراتی مورد نیاز برای انتقال نفت خام به بازارهای جهانی از گزینه‌های مختلف مانند ترکیه، سوریه، اردن و خلیج فارس نیز تا حد زیادی ارتباط این کشور را با بازارهای جهانی برقرار کرده است.

در این میان گروهی معتقدند چنین حجم گسترده‌ای از واگذاری قراردادهای نفتی به شرکت‌های بین‌المللی با هدف افزایش ۹ تا ۱۰ میلیون بشکه‌ای تولید نفت در این کشور در عمل به نتایج مورد نظر نخواهد رسید، چراکه علاوه بر فقدان بسیاری از زیرساخت‌های مورد نیاز برای توسعه ظرفیت‌های تولید نفت از جمله مباحث امنیتی و ساختارهای فنی لازم، در عمل توان مدیریت داخلی برای اجرای چنین حجمی از پروژه‌های توسعه‌ای در این کشور وجود ندارد.

از سوی دیگر، تجربه اخیر افزایش قیمت‌های جهانی نفت علاوه بر افزایش بهره‌وری انرژی، تمایل کشورهای توسعه‌یافته را به استفاده از حامل‌های انرژی جایگزین مانند هیبرید و انرژی هسته‌ای و انرژی‌های تجدیدپذیر دیگر افزایش و مصرف نفت خام و فرآورده‌های نفتی را کاهش داده است، ضمن این که زمینه تحقق راهبرد واشنگتن در خصوص کاهش وابستگی به نفت خام وارداتی را به‌خصوص از منطقه خاورمیانه نیز فراهم کرده است. در حال حاضر مطالعه منابع جایگزین نفت خام وارداتی از خاورمیانه مانند تولید نفت از شن‌های قیراندود (کانادا) و منابع جایگزین برای گاز طبیعی با جدیت در حال پیگیری است.

بازار نفت

موفقیت یا عدم موفقیت بغداد در تحقق طرح‌های توسعه‌ای مزبور، اثرات قابل ملاحظه‌ای را بر بازار و صنعت نفت به دنبال خواهد داشت. قراردادهای واگذار شده به شرکت‌های بزرگ نفتی و نوع تعامل با این شرکت‌ها مباحث جدیدی را در حوزه روابط شرکت‌ها با کشورهای دارنده ذخایر نفت ایجاد کرده است. ضمن این که مباحث و ملاحظات زیست‌محیطی و الزامات ناشی از تغییرات آب و هوایی نیز جهان صنعتی را به این نتیجه رسانده که تداوم شرایط فعلی در حوزه مصرف سوخت‌های فسیلی امکان‌پذیر نیست و ادامه این شرایط، وضعیت آسیب‌های وارده به کره زمین را از وضع موجود آن هم وخیم‌تر خواهد ساخت. ■

عراق و بازار نفت

اقدامات وزارت نفت عراق در خصوص برنامه‌ریزی برای توسعه تولید، بحث‌های بسیاری را در محافل کارشناسی بازار

